

...جناب اسم الله آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید،...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۸۱

...جناب اسم الله آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید، زاد اخروی و توشه راه ملکوت الهی طلب گردیده، در نزد آن جناب واضح است که الیوم زاد و توشه ثبوت و رسوخ دادن نفوس ضعیفه است بر عهد و میثاق و نشر نفحات الله و صون حصن امر الله و حفظ معالم دین الله چه که در ملکوت ابهی هدیه ای خوشتر از این نه و در ملاء اعلی ارمغانی دلکشتر از این نیست. پس آن جناب باید در این امر مهم شب و روز نهایت جهد را مبذول دارند که وحدت کلمه الهیه به تشنیت نینجامد و تفریق در این عهد محکم و پیمان وثیق حاصل نگردد، و اسفا علی الكلّ اذا زلت الاقدام و تزلزلت القلوب. و این عبد را منتهای آمال و اقصی الامانی این که جمیع در ظلّ کلمه وحدانیت مجتمع شویم و هر اوهامی را فراموش نمائیم جز روی او نجوئیم و جز در کوی او نپوئیم و به غیر از راز او نگوئیم، فی الحقیقه بکلی فدای او گردیم و فناء سبیل او شویم و در نشر طیب حبیب بکوشیم. سالهای دراز این بندگان را در آغوش الطاف پرورش داد و به ظهور رحمانیت و فرط عنایت تربیت فرمود و تفهیم کرد و تعلیم داد و چون مشفق مهربان طفلان آموزگار را رسم ادب بیاموخت و در دبستان الهی درس و سبق داد که بعد از صعود جمال منیرش بر روش و سلوک اهل وفا قیام نمائیم و به خدمت امر الله و اعلاء کلمه الله بکوشیم و عده تأیید فرمود و نوید توفیق داد و نریکم من افقی الابهی و نصر من قام علی نصره امری یجنود من الملائکة المقربین فرمود.

حمد و شکر حضرت احدیتش را که به آنچه وعد فرمود وفا کرد و هر چه نوید داد مهیا ساخت جمیع سبل و عمره را مستوی فرمود و کلّ راههای سنگلاخ را هموار کرد ابواب فتوح گشود و نفحات روح



ORIGINAL



AUDIO

القدس مبذول داشت جنود ملکوت ابهائش هجوم نمود و سپاه بی پایان ملاً اعلايش با سيف مسلول نزول فرمود صفوف اعدایش در هم شکست و جند احزاب را مهزوم کرد در هر نقطه عالم آثار قدرتش را ظاهر فرمود و در هر اقلیمی امر عظیمش را آشکار نمود. در ملک فرنگ آهنگ تقدیسش بلند شد و در بلغار و سقلاب آثار ظهورش نمودار گردید در امریک سراجش نوربخش شب تاریک شد و هادی هر دور و نزدیک در ایران صیت عظمتش بلند شد و در طهران بندگانش به حقیقت ارجمند گردید به قسمی که قیاس به سابق نتوان نمود در مدینه کبیره در این ایام صنایع شیطان را اسیر خذلان کرد و فسادشان را واضح و عیان بکلی آن آتش را خاموش نمود و بتمامه آن داستان را از اذهان فراموش. فی الحقیقه تجمع اعظم مفسدین عالم و مفترین بر جمال قدم در چنین نقطه مهمه‌ای و شب و روز و به انواع وسایط و وسائل در هدم امر الله ساعی و مجتهد و به انواع وساوس و دسائس متشبث، خطر عظیمی بر امر الله بود و اسباب فساد شدیدی در حق احبباء الله. جمیع یمین مؤکد نموده بودند که این ارض را منقلب نمایند و بواسطه جمال الدین افغانی در جمیع محافل وزراء راه یافته حتی در خلوت پادشاهی که ما بین گفته میشود به واسطه آن شخص بار جسته بودند و داماد یحیی کاتب خصوصی جمال الدین شده بود و شیخ احمد از اعضاء دائمی مجلس او وسیله ای نگذاشتند که در هدم بنیان الهی و اذیت این آوارگان تشبث نمودند و اقترائی نماند که نزدند و ما متوکللاً علی الله به جبل تسلیم تشبث نمودیم و به قلب سلیم صبر و توسل و عاقبت دستی از غیب در آمد و پرده تزویر و خداع آن قوم پر لوم را بدرید فسادشان آشکار شد و فتنه شان پدیدار اوراق فسادشان نمودار شد و به جزای اعمال خویش گرفتار شدند به پنجه عدالت درافتادند و به ایران ارسال گشتند. شما ملاحظه فرمائید که در نزد ناس عوام کار مشتبه نشود مقصود این است که بعد از صعود صد مرتبه امر مبارکش را بیشتر تأیید فرمود و این عاجزان را توفیق عنایت کرد و لمثل هذا الرب ینبغی التّسبیح و التّهلل و التّقدیس و التّمجید.

باری منتها آرزوی این عبد این مقصد جلیل و آن خدمت امر الله، از خود خیالی نداشته و ندارم و در تلقاء آیات احدیتش وجودی به جهت خویش نشمارم. اما در صیانت حصن حصین دین مبینش میکوشم و از تحریف و تأویل و تفریق و تشبیت هراسانم که مبادا هزار سال بعد این گونه امور واقع گردد و در کلمه توحید تفریق حاصل شود چه که این کیفیت هادم بنیان است و قالع و قاع اصل و اساس ایوان یزدان، کلّ مایوس شویم و محروم و مدحور و مذموم تشبث شمل و تفرق جمع چنان واقع گردد که هر یک از احبباء در مفاوز هلاک گم و نابود گردد و از هیکل امر الله اسم غیر مهمی در زاویه تاریخ عوام ماند. پس باید به جمیع قوا تشبث نمود که حصن امر مصون ماند و بنیان دین الله مأمون.

اما در خصوص عقد مجالس عهد مرقوم فرموده بودید هیچ قضیه ای اعظم و اقوی و اشد و اکبر از نفس میثاق الهی و ایمان و پیمان ربّانی تصور نتوان نمود چه که در هیچ کوری چنین امری واقع نشده که در کتاب اقدس بیست و پنج سال پیش از صعود این نص صریح صحیح منصوص گردد و جمال قدم

جميع احبائش را به اين فيض الهى پرورش و تربيت فرمايد و بعد به اثر قلم اعلى عهدى به اين محكم و متين بگيرد در جميع الواح و زرش ذكر اين عهد را بفرمايد و تشويق و تجيد متشبهين را بنمايد و تبرى از ناقضين بكنند. اگر كسى به اين حبل متين و زنجير حديد مرتبط نگردهد به چه حبلى او را توان بست سلاسل و اغلال عالم وجود او را نبندد. ولى آن جناب اگر بخواهند كه در اين خصوص اسبابى فراهم آرند كه سبب شدت تشبث گردد آيات و كهاتى كه در اين خصوص عهد و ميثاق در جميع الواح الهى نازل جمع فرمائيد و بعد از قرائت كتاب عهد در مجلس آن كهات را تلاوت فرمائيد كه شأن ثابتين چه و شأن متزلزلىن چه ، اين از جميع امور اعظم است .

